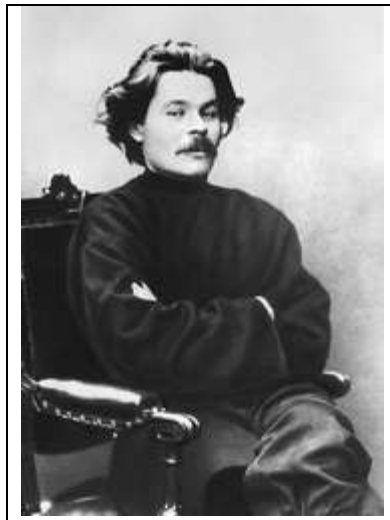


تاریخ

نامه ی ماکسیم گورکی به کمیته ی ایران (لندن)
به مناسبت تجاوز روسیه به ایران در سال 1290 خورشیدی
(1911)



ماکسیم گورکی در حدود سالی که نامه را نوشت

خسرو شاکری (زند)

یکی از گروه های انیرانی مدافع انقلاب مشروطیت در غرب کمیته ی ایران (Persia Committee) بود که به همت خاورشناس ایراندوست انگلیسی و استاد دانشگاه کمبریج پروفیسور ادوارد برآُن تشکیل شده بود. این کمیته با ایرانیان مقیم انیران، بویژه انجمن سعادت ایرانیان در استانبول، در تماس بود. گروه ی دیگری که در آن زمان از انقلاب ایران دفاع می کرد عبارت بود از احزاب سوسیال دموکرات اروپایی، که نوه ی دختری کارل مارکس ژان لانگه (Jean Longuet) سر دبیر ارگان حزب سوسیالیست فرانسه (Humanité)، در میان کوشندگان آن شخصیت برجسته ای بود. وی به هنگام تجاوز روسیه ی تزاری در پائیز 1290، که زیر فشار آن مجلس دوم با دستیاری وزرای مرتجعی چون برادران وثوق الدوله و قوام السلطنه تعطیل شد، نشست مهمی در شهر پاریس برپا داشت که در آن نمایندگان احزاب سوسیال دموکرات اروپایی، از حزب آلمان و فرانسه گرفته تا حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه و برخی دیگر گروه های انقلابی آن کشور در آن شرکت جستند و با سخنرانی ها و قطعنامه ی پشتیبانی خود را از آزادی، دموکراسی، و مشروطیت ایران اعلام داشتند. 1 این کنفرانس در شهر پاریس (در ساختمانی در ضلع غربی میدان سن ژرمن ده پره، 2 روبروی کلیسا، برگزار شد. پس ازین کنفرانس بود که نویسنده ی شهیر روس متمایل به بلشویک ها، ماکسیم گورکی، نامه ای پیرامون سیاست روسیه ی تزاری به کمیته ی ایران در لندن ارسال داشت که در مارس 1912 انتشار یافت. 3 این نامه اخیراً در نخستین

شماره ی ویژه ی فصلنامه ی مارکسیستی انگلیسی به نام تاریخ انقلابی (Revolutionary History)، 4 همراه با مقالات پژوهشی و اسناد تاریخی تازه ای از سوسیال دموکراسی، حزب کمونیست ایران، و گروه ارانی (1905-1940)، به چاپ رسیده است. اینک، ترجمه ی فارسی آن نامه.

بر آن ام که، صرفنظر از این واقعیت که اقدامات [دولت روسیه] علیه ملت ایران ضدانسانی اند، این اقدامات از نظر داخلی برای مردم روسیه خسران بار اند. تردید دارم که ممکن باشد که از طریق محاکمات صحرائی و اعدام بتوان بازارهای تجاری ایران را به سود سرمایه های روسی در اختیار گرفت، و بر آن ام که دولت روسیه با این خشونت عاری از معنایش دست اندر کار ایجاد دشمن آشتی ناپذیری در ایران است. افزون بر این، رفتار نیروهای روسیه در ایران در خدمت تحکیم و گسترش پان اسلامیسیم متعصبانه است، که اصول خلاقانه ی پرورانده در اروپا را مردود می شمارد، و بدین سان، اقدام دولت روسیه موجبات لطمه به علاقه به فرهنگ اروپایی را فراهم می آورد.

دیگر اینکه، در حالی که سیاست استعماری اروپا، تا آنجا که آرمانخواهانه و انساندوستانه نیست، بدون تردید، موجبات تأخیر در ریشه دواندن آرمان های انساندوستانه می گردد؛ در عین حال، انگلستان، حتی هنگامی که تریاک به چین وارد می کند، همراه با آن زهر، اندیشه های حکومت قانون و آزادی های فردی را هم با خود به آن کشور می بزد.

امروز، ما شاهد آنیم که چین، در حالی که با اعتیاد به تریاک نابود نشده است، از سوی دیگر، نیرومندی تازه ای در آن پدید آمده است و تحت تأثیر اندیشه های سالم و خلاق غرب انقلابی را از سر می گذراند، و اکنون دست اندر کار این است که مورچه-لانه های خود را بازبازد و به فرهنگ آریایی بگردد. ازین نمونه، که یکی از بسیار نمونه هاست، به این متقاعد می شویم که نیروی حیاتی مثبتی که در سرشت نظرات خلاق اروپایی است ظرفیت پیشبرد آن نظرات را در مستعمرات دارند.

ما همچنین می بینیم، در حالی که سرمایه های انگلیسی به زور راه خود را در ایران باز می کنند، افکار عمومی انگلستان ضرورت تشکیل کمیته ی ایران برای حفاظت از ایران را تشخیص می دهد، و در آن کشور، نه تنها انجمنی برای مطالعه ی فرهنگ های خاورزمین وجود دارد، بل همچنین انجمن ویژه ای برای شناخت فرهنگ ایران ایجاد شده است.

از خود می پرسیم چه چیزهای گرانبهائی، چه اصولی از فرهنگ اروپایی از سوی دولت روسیه به ممالک آسیای مرکزی - خیه و بخارا - که روسیه به آن ها دست انداخته است، برده شده اند. چه تأثیرات خلاق گراندردی را حکومت روسیه می تواند در ایران کهن به کار برد؟ اکنون دولت روسیه در اروپا چون تنها حامی اصول قدرت استبداد

دولتی بر افراد برجسته می شود، و خاورزمین ویرانگری آن اصول را پیشاپیش تشخیص داده است. روسیه مقادیر زیادی وُدکا را به بازارهای ایران وارد خواهد کرد، اما من نمی توانم ببینم دیوانسالاری روسیه چه نظرات سودمندی را می تواند به ایرانیان بشناساند.

دست آخر، به نظر من، دست اندازی به ایران، نه چندان به سود سرمایه های روسی، که به نفع سلسله ی رؤمائف ها بوده است تا با توسعه طلبی سرزمین دیگری را به روسیان اهدا کند، و ازین طریق سده ی سوم تأسیس خود را در روسیه جشن بگیرد. این سده ی سوم، چنانکه به نیکی دانسته است، افسانه ای بیش نیست، و این هدیه [به ملت روسیه] به تحول نگونبختی مردم خواهد انجامید، چه باورنکردنی است که ایران به بردگی ای که وی را تهدید می کند تن بدهد.

ماکسیم گورکی

یادداشت ها :

1) برای اسناد این دوره بنگرید به اسناد تاریخی: *جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی، و کمونیستی ایران* (به همت خسرو شاکری)، فلورانس و تهران، 23 جلد، 1992-1969، جلد نوزدهم و نسخه ی تارنمایی این جلد در (www.aratta-iran.com)

2) Place Saint Germain-des-Prés

3) Letter by Maxim Gorki to Persia Committee, original printed in *New Age*, 7 March 1912.

4) شماره ی ویژه ی دیگری که به جریان های چپ در دهه های پس از شهریور 1320 اختصاص دارد در دست انتشار است.